



Purposes and Function of Alternatives to Incarceration; with Emphasis on Medical Crime

Ahmad Mozafari^{1*}, Mohammad Hasan Hasani², Mehdi Zolfaghari¹

1. Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

2. Department of Law, Faculty of Humanitarian Sciences, Damghan University, Damghan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Imprisonment as a Criminological Subject, Contrary to the Globalized Literature, in Iranian Law, is Called a punishment that Seek to Transform and replace the imprisonment. But in the world literature, these Measures do not only include imprisonment. Alternative Measure are theoretically linked to reductionist Criminology and the policy of reducing the Scope of Criminal Law, that they are against just desert and Punitiveness and Today, Legal and Judicial authorities are paying attention to Medical Crimes and they seek to reduce the destructive effects pf punishment on the perpetrators personality.

Method: The Method of this study is descriptive-analytical and its data collection instrument is documentary-Library.

Ethical Considerations: This article has completely adhered to the Moral Principles Honesty, Respect for Right and Confidentiality and the Principle of Material-Intellectual Property.

Results: Today, referring to the principle of individualization of punishment, in the case of people such as doctors, the need to avoid the execution of punishment and the trend towards alternative measures is defended. Iran's laws are relatively oriented towards these measures.

Conclusion: Despite the emphasis on the use of alternative measures for medical crimes in irans Criminal Policy, the facts show that formal and repressive punishment are still cited and used by the courts more than any other measures.

Keywords: Alternatives of Imprisonment; Prison; Goal; Function; Medical Crimes

Corresponding Author: Ahmad Mozafari; **Email:** A.Mozafari@gmail.com

Received: December 15, 2023; **Accepted:** May 09, 2024; **Published Online:** July 30, 2024

Please cite this article as:

Mozafari A, Hasani MH, Zolfaghari M; purposes and function of alternatives to incarceration; with emphasis on medical crime, Medical Law Journal. 2024; 18: e13.



اهداف و کارکردهای جایگزین‌های حبس؛ با تأکید بر وضعیت جرائم پزشکی

احمد مظفری^{1*}، محمدحسن حسینی²، مهدی ذوالفقاری¹

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سیاست جایگزین‌های حبس به عنوان محوری مشترک در مطالعات جرم‌شناختی - کیفرشناختی برخلاف ادبیات حقوقی جهانی شده، در قلمرو حقوق کیفری معاصر ایران به نسلی از مجازات‌ها اطلاق شده که ظاهراً بر وجه غلبه داعیه تبدیل، توقف و جایگزینی مجازات حبس را دارند. این در حالی است که در گفتمان غالب، علمی و جهانی شده این تدابیر منحصرأ در مواجهه با کیفر حبس معنا و تفسیر نمی‌شوند. تدابیر جایگزین به لحاظ مبانی فکری و خاستگاه اقتران آشکاری با آموزه‌های جرم‌شناسی‌های تقلیل‌گرا و سیاست حداقلی‌سازی و کاهش قلمرو حقوق کیفری داشته و در جدل با گفتمان کیفرگرایی حداکثری و سرکوبگر در کرسی مخالفان تلقی‌های سنتی از عدالت استحقاقی تعریف می‌شوند که امروزه در خصوص جرائم و تخلفات اقساری مثل پزشکان عمیقاً مورد تأکید مراجع قانونی و قضایی قرار گرفته‌اند و به دنبال کاهش آثار تخریبی مجازات‌ها بر شخصیت مرتکبان می‌باشند. این تحقیق سعی دارد به بررسی کارکردها و اهداف تدابیر جایگزین‌های حبس بپردازد و در این مسیر نگاهی افتراقی و موردی به برخی از مصادیق جرائم پزشکی که استحقاق مواجه شدن با چنین تدابیری را دارند، داشته باشد.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و متکی بر منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش مقاله پیش رو، نگارندگان ضمن رعایت اصالت متون و امانتداری همواره خود را ملزم به رعایت جوانب صداقت در گفتار و نوشتار می‌دانند.

یافته‌ها: در جهان معاصر با استناد به اصل فردی‌سازی کیفرها، در زمان واکنش‌دهی به جرائم ارتكابی توسط اقشار فرهیخته و متخصص جامعه مثل پزشکان عموماً بر لزوم اجتناب از اجرای سیاست‌های سرکوبگر در قبال آن‌ها و لزوم گرایش به تدابیر و مجازات‌های جایگزین دفاع می‌شود. به نظر می‌رسد حقوق ایران به خصوص بعد از صدور بخشنامه ویژه رییس قوه قضاییه کم و بیش به این سمت و سو گرایش پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری: به رغم آنکه در وضع معاصر سیاست جنایی ایران در قلمرو جرائم پزشکی با تأکید و توصیه مضاعفی از سوی مجریان و مسئولان نظام قضایی بر کارایی و قابلیت تدابیر جایگزین تأکید شده است، اما واقعیات قضایی موجود کماکان از برتری رویکرد کیفرمدار و سرکوبگر در فضای محاکم بر هر تدبیری دیگری در مواجهه با جرائم مذکور حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: جایگزین حبس؛ هدف؛ کارکرد؛ جرم پزشکی

نویسنده مسئول: احمد مظفری؛ پست الکترونیک: A.Mozafari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mozafari A, Hasani MH, Zolfaghari M; purposes and function of alternatives to incarceration; with emphasis on medical crime, Medical Law Journal. 2024; 18: e13.

مقدمه

در پهنای علوم جنایی نوین در راستای پاسخ‌دهی به انواع مختلف جرائم از ضرورت تدوین و تنظیم برنامه و یک نظام کیفرشناسی افتراقی سخن به میان می‌آید که بتواند همسو با اقتضائات و شرایط خاص واکنش‌دهی به جرائم و نیز تحولات روز جوامع انسانی، بستری برای مدیریت و کنترل نرخ پدیده جنایی در جامعه فراهم آورد. یکی از حوزه‌های تخصصی و امروزی کیفرشناسی‌های افتراقی، تخصصی‌سازی پاسخ‌دهی به جرائم مختلف از رهگذر توسل به سیاست یا تدابیر موسوم به «جایگزین‌های حبس» می‌باشد.

همسو با منطق گرایش بسوی الگوهای کیفرشناسی افتراقی، نظام مجازات‌های اجتماعی یا جامعه‌مند و به طور کلی سیاست‌های اجتناب از توسل افراطی به کیفر حبس سیاست جنایی ایران در راستای تعیین و تقنین واکنش‌های اجتماعی چندبعدی - چندوجهی به منظور مقابله با معضل جرم و تبه‌کاری در سال‌های اخیر با تحولات عمده‌ای مواجه شده است. تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی ایران در کلیه سطوح اعم از تقنینی، قضایی و اجرایی در مقابله با جرائم مختلف از مجرای عملیاتی‌سازی سیاست یا تدابیر یا واکنش‌های موسوم به جایگزین‌های حبس بیانگر این حقیقت است که قانونگذار و تبعاً محاکم ایرانی بالاخره دریافته‌اند که صرف اجرای مجازات‌های خشن و سرکوبگر و اجرای مدل‌های طولی‌المدت از حبس و زندان لزوماً نمی‌تواند بهترین واکنش یا تدبیر قانونی - قضایی پیش‌گیرنده در برخورد با طیف‌های مختلف جرائم باشد.

تأکید بر مجازات‌هایی چون حبس‌های میان‌مدت یا طولی‌المدت برای مرتکبین جرائم مختلف اعم از زن و مرد، خردسال یا بزرگسال، باسابقه یا بی‌سابقه و... ابزاری سنتی است که مبتنی بر مقصودِ ارعاب جمعی و برآمده از اندیشه‌های مکتب کلاسیک می‌باشد که آشکارا بر سرکوب جسمانی و جانی مرتکبین جرائم تأکید می‌کند. این در حالی است که در همراهی با بسیاری از اسناد بین‌المللی و تجربیات شکست نظام عدالت کیفری در قلمرو ممالک ملی مختلف ادعا

می‌شود که اگر رویکرد حقوق کیفری، نظام سیاست جنایی و کیفرشناسی در معیت آن صرفاً کیفرگرا و سرکوبگر باشد، هرگز در بلندمدت نخواهند توانست به خوبی با جرائم مقابله کنند، زیرا عمر مجازات برای تحقق آرمان و اهدافی چون کنترل نرخ جرم و پیشگیری از آن سال‌هاست به سرآمده است (۱)، لذا معضل بی‌پایان جرم و بزه‌کاری در جامعه ایران مقتضی است که متولیان امور قانونی و قضایی جامعه تا حد امکان از تمامی ابزارهای علمی موجود اعم از منطق و ملزومات فکری کیفرشناسی افتراقی و مشارکتی، تدابیر تعدیل‌کننده یا جایگزین حبس، ابزارهای حقوقی و کیفری هم‌ارز و ابزارهای جرم‌شناختی و غیر کیفری محض نیز بهره گرفته تا شاید بتوانند به نحوی بهتر و مطلوب‌تر با معضل پدیده جنایی مقابله و مبارزه نمایند.

ناگفته پیداست که هدف پایدار سیاست جنایی، تضمین انسجام و ادامه حیات هیأت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) با پاسخ به نیاز اشخاص و اموال به امنیت است. ابزار دستیابی به هدف مذکور معمولاً در تدابیر کیفری و ناکیفری جستجو می‌شود. بدیهی است هر اندازه که سیاست جنایی بیشتر از ظرفیت‌های اجتماعی استفاده کند، در دستیابی به این اهداف توفیق بیشتری حاصل می‌کند. از این منظر به نظر می‌رسد سیاست جنایی ایران در طول دوران تقنینی و قضایی خود بیشتر مبتنی بر کیفرگرایی بوده و جامعه مدنی جایگاه حقوقی و مداخله عملی چندانی در سیاست‌گذاری، مدیریت امور اجتماعی و قضایی نداشته است. آمار مربوط به جرم‌انگاری‌ها، میزان و نوع مجازات‌ها، به ویژه آمار مربوط به مجازات حبس بر این موضوع صحنه می‌گذارند، اما شکل‌گیری آموزه‌های نوین علمی در سال‌های اخیر، اثبات ناکارآمدی مجازات سالب آزادی، مشکلات اداره زندان‌ها و تشدید آسیب‌های حاصل از آن موجب تغییراتی در خط مشی قانونگذار شده است. در نتیجه این تغییرات، امروز دیگر به زندان همچون یک پاسخ اصلاحی و درمانی برای مسأله جرم نگریسته نمی‌شود، بلکه زندان یک مسأله و مشکل قانونی و ساختاری انگاشته می‌شود که سلامت جامعه ایرانی را به چالش کشیده است. از این رو ظاهراً قانونگذار بر آن شده تا با اعمال پاسخ‌ها و مجازات‌های

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، لذا در بخش‌هایی که توصیف و معرفی کاربست و ساختار نظری و کارکردشناختی سیاست جایگزین‌های حبس مد نظر می‌باشد، از روش توصیفی و در بخش‌هایی که به تحلیل موردی اهداف و کارکردهای این تدابیر با نگاهی ویژه به برخی از اهم و شایع‌ترین مصادیق جرائم پزشکی پرداخته شده، از روش تحلیلی بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردی ترکیبی، چندنهادی و آینده‌گرا نسبت به نحوه به کارگیری تدابیر جایگزین حبس که متوجه ابعاد حقوقی - تجربی این تدابیر نیز باشد و بتواند از چگونگی و مختصات تطور و تحول در متن و بطن نظام سیاست جنایی حاکم بر جامعه خصوصاً در برخورد با جرائم پزشکی برای استقبال حقوق‌مندان تر - انسان‌دوستانه‌تر از آن‌ها در ظرف آموزه‌های علوم جرم‌شناسی و کیفرشناسی نوین پرده بردارد، روش معتبرتری برای ترسیم اضلاع فکری و کارکردشناسانه تدابیر جایگزین حبس و مدرسانی به متولیان دستگاه قانونگذاری - قضایی جامعه برای بازنگری در متون قانونی موجود و عبور از کاستی‌ها و موانع سد راه اجرای مطلوب‌تر این قسم از سیاست‌های تساهلی - کاهش‌ی در منطقه‌الفرار سیاست‌پردازی‌های جنایی در ایران امروز است که تبعاً می‌تواند به تنسيق سیاست کاهش جرائم پزشکی در جامعه کنونی ایران نیز عمیقاً مدد رساند.

جامعوی این مشکل را کم‌رنگ سازد، هرچند بند ۵ اصل ۱۵۶ از قانون اساسی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان را بر عهده قوه قضاییه گذاشته است، در طول سال‌های گذشته این دستگاه با بد مجازات‌کردن (زندان‌گرایی) انگار برخلاف یکی از اصول مهم قانون اساسی و انسانی جهت‌گیری و حرکت نموده و با تناقض‌های رفتاری و استفاده بیش از حد از ابزار زندان باعث افزایش تکرار جرم شده است. حال با تغییر رویکرد قانونگذار و وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ روزهایی برای اصلاح، درمان و بازپذیری اجتماعی محکومان به وجود آمده است. قانونگذار کیفری با افزایش مجازات‌های جایگزین حبس و در نظر گرفتن پاسخ‌های جامعوی امکان تغییر و بهبود وضعیت زندان‌ها را تا حدود زیادی فراهم ساخته است. قطعاً اعمال جایگزین‌های حبس - مبتنی بر مداخله جامعه مدنی - نویدبخش پدیداری سیاست جنایی مشارکتی (کیفری، ناکیفری) خواهد بود که از آموزه‌های جدید مکتب دفاع اجتماعی نوین، کیفرشناسی و جرم‌شناسی الهام گرفته است. رویکرد جدید قانونگذار نسبت به جایگزین‌های ناکیفری و جامعوی جهت پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمان متأثر از این آموزه‌های نوپا است.

به رغم آنکه امروزه در قلمرو جرائم مختلفی از قابلیت‌ها و منافع به کارگیری تدابیر جایگزین حبس سخن به میان آمده، اما شواهد گویاست که این تدابیر نوین در خصوص اقلاری مثل پزشکان و در قبال جرائم و تخلفات پزشکی با شدت و عمق آشکارتری مورد توصیه قرار گرفته که عموماً نشان از نفوذ عیان اصل فردی‌سازی کیفرها به ساختار نظام قانونی - کیفری حاکم بر جوامع دارد. در این مقاله، با تمرکز بر جرائم پزشکی گذری بر اهداف و کارکردهای تدابیر جایگزین حبس افکنده تا احتمالاً بتوانیم به تقویت ذهنیت مثبت در خصوص اعتنا به نظام جایگزین‌های حبس در خصوص جرائم پزشکی و مرتکبان آن‌ها مهیا سازیم، لذا مسأله اصلی تحقیق فرارو در این افق قابل رهگیری و تبیین است.

بحث

۱. شناخت قلمرو نظری سیاست جایگزین‌های حبس در

افق موازین بین‌المللی: در این شکی نیست که کیفر حبس حضوری تاریخی در جوامع مختلف داشته و ابزار اصلی عدالت کیفری سنتی است، اما در این حقیقت هم تردید راه ندارد که این مجازات از جهات مختلفی مورد نقد، بحث و تردیدهای جدی است تا جایی که بعضاً تئوریسین‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی انتقادی حتی از لزوم کنارنهادن آن صحبت کرده‌اند. یقیناً زندان منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و اطرافیان افراد زندانی می‌گردد و محدودیت‌های بی‌شماری بر آن‌ها تحمیل می‌نماید. این مجازات علاوه بر محکوم بر خویشان و نزدیکان و به ویژه همسر و فرزندان او نیز آثار سوئی دارد، حتی ممکن است منجر به فروپاشی کانون بسیاری از خانواده‌ها نیز بگردد. همچنین نقض حقوق بشر و عدم مدیریت مطلوب ناهنجاری‌های رفتاری زندانیان از دیگر محدودیت‌ها و ضعف‌های کلی زندان‌هاست. شواهد گویاست که تورم در جمعیت زندانیان یا اشباع زندان‌ها، عدم تغذیه و بهداشت عمومی مناسب، نبود مراقبت‌های پزشکی، شیوع بیماری‌های واگیر و عفونی، تجاوزهای جنسی، فساد رفتاری، شیوع بیماری‌های ویروسی و مرگبار همچون ایدز، از جمله دیگر آثار و مظاهر احتمال نقض حقوق انسانی محکومان به حبس است که در همه جای جهان با درجات مختلفی تجربه و نمایان شده‌اند. از این رو گفتمان جایگزین‌سازی آن امروزه بیش از هر زمانی مورد تصریح و تأکید بسیاری از اسناد بین‌المللی و نیز قوانین جزایی در ممالک مختلف قرار گرفته است. در این مبحث تحلیل بیشتر محتوا و قلمروی مفهومی این تدابیر مورد بحث می‌باشد. در ادامه به عنوان گامی آغازین به تحلیل محتوایی مسائل و مفاهیم مد نظر به تشریح اصطلاحات و مفاهیمی نظیر جایگزین حبس و تبیین موجبات، زمینه‌ها و رویکردهای موجود در حوزه طرز تلقی از مفهوم کارکردشناختی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. محتوا و دامنه تعریف: در سال‌های اخیر اکثر نظام‌های

پاسخگو به جرم تلاش دارند تا با اتخاذ تدابیر درمان‌مدار زمینه اصلاح مجرمان و بازگشت آن‌ها به جامعه را فراهم سازند و تا حد امکان با فاصله‌گرفتن از حقوق تنبیهی از حذف و یا طرد بزه‌کار جلوگیری کنند. در این راستا، سیاست اصلاح و درمان بزه‌کار درصدد است تا از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت نگهداری قراردادن او سیاست حذف و طرد مجرم از جامعه را کنار بگذارد. به نظر بسیاری از جرم‌شناسان هر نظام حقوقی‌ایی که این راهبرد را بیشتر و عمیق‌تر پیگیری و اعمال کند دستاوردهای آن معقول‌تر، انسانی‌تر و کارآمدتر خواهد بود (۲).

در جهان معاصر آمارهای موجود در پهنای ساختارهای عدالت کیفری ملی و بین‌المللی نشانگر آن است که به طور کلی مجازات دیگر قادر به پیشگیری همه‌جانبه از جرم نبوده و مجازاتی مثل زندان عملاً کارنامه موفقیت‌آمیزی در خصوص اصلاح و بازپروری زندانیان رقم نزده است و حتی بعضاً بر نرخ کلی ارتکاب جرم توسط آن‌ها هم افزوده است (۳).

جرم‌زابدن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و... باعث بروز انتقادات شدیدی نسبت به این مجازات شده است، به طوری که حتی موافقان آن را دچار تردید کرده و در نهایت به واکنش واداشته است. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفته است، پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و تلاش برای فراگیرسازی آن‌ها در ساختار نظام عدالت کیفری برای همه اقشار اعم از خردسال و بزرگسال بوده است (۴).

کنارگزاردن اندیشه‌های کیفرمدار محض در مقابله با جرم متأثر از نمایان‌شدن کاستی‌های نظام عدالت کیفری رسمی در جوامع مختلف زمینه‌ساز طرح و بسط اندیشه‌هایی چون جایگزین‌سازی مجازات‌های سنتی و متداول شده که به تبع آن از الگوی پیشگیری مبتنی بر بهره‌وری از قدرت مردم و بخش‌های خصوصی اجتماع به عنوان راهبردی کارآمد برای پیشگیری از جرم در صحنه اجتماعی نام برده می‌شود.

حق تعیین کیفر به نحوی که عملاً به خارج کردن محکومان از حبس منجر گردد را دارد، یعنی سیاست و تدبیری کاملاً شناور که مقید به زمان نبوده و عموماً به دنبال انقطاع و دورساختن محکوم از محیط زندان است (۶).

مجازات‌های جایگزین اصولاً با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از ارتكاب جرم توسط دادگاه تعیین و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجتماع به اجرا درمی‌آیند، هرچند رویکرد روش همه جوامع معاصر لزوماً این‌گونه نیست، مثلاً در کشور استرالیا در خصوص جرائم افراد زیر هجده سال تعیین و اجرای تمامی مجازات‌های اجتماعی مثل الزام به انجام خدمات اجتماعی تماماً از سوی نهادهای محله‌ای - مردمی صورت می‌گیرد که خود آشکارا انعکاس‌بخش حضور گفتمان سیاست جنایی مبتنی بر قضا‌دایی و عدالت کیفری در خارج از نظام دادگستری رسمی است (۷).

در متن رهنمودهای سازمان ملل متحد برای اصلاح و درمان زندانیان مصوب سال ۲۰۰۶ (مانند مواد ۱، ۳ و ۶) اصولی مانند لزوم تغییرپذیری مدت مجازات حبس در مرحله اجرا وجود دارد که تدبیری تساهلی تلقی شده و فلسفه آن خاتمه‌دادن به مجازات حبس قبل از فرارسیدن موعد تعیینی برای آن در دادنامه است. چنین تدبیری برخاسته از این تفکر جهانی شده است که لزومی ندارد هر محکومی تمام مدت حبس خود را تحمل کند تا بدین طریق وارد جامعه آزاد گردد؛ بعضی مواقع ممکن است فرد زندانی متأثر از برنامه‌های اصلاحی از اندیشه‌های مجرمانه فاصله گرفته و به خوبی متنبه و اصلاح گردد، لذا نیازی به نگهداری بیشتر چنین محکومانی در زندان نیست. چنین تفکری از مبانی اجرای تدابیر ارفاقی به شمار رفته و هم‌پوشانی آشکاری با سیاست‌هایی چون مجازات‌های جایگزین دارد که عموماً به دنبال اصلاح محکومان در فضایی خارج از زندان هستند (۸). بنابراین ادعا می‌شود که اغلب اسناد بین‌المللی با این حقیقت معارضه‌ای ندارند که هر تدبیر یا سیاستی که به نحوی موجب دورشدن محکومان از فضای زندان و تحمل کیفر حبس گردد، به نحوی

جرم و بزه‌کاری به طور کلی نوعی اعلام ناسازگاری با جامعه و یک نشانه خطر در زمینه احتمال ماندگاری افراد در ورطه مجرمانه به شمار می‌رود. هدف اصلی اعمال ضمانت اجرا و کیفر در برخورد با جرائم مختلف غالباً اصلاح، تربیت و بازسازی مرتکبین بوده و بیش از هر چیز تلاش تدابیر عدالت کیفری به سمت بازپروری و آماده‌نمودن فرد در بازگشت به جامعه می‌باشد. این در حالی است که به نظر می‌رسد حبس و مجازات سالب آزادی نمی‌تواند جهت دستیابی به این اهداف چندان کارآمد باشد و چه‌بسا برخوردهای قهرآمیز و شدید می‌تواند به سوگیری درست و نادرست نظام رفتاری بسیاری از محکومان نیز منجر گردد. در این چرخه ادعا می‌شود که کیفر حبس امروزه عملاً در ابعاد وسیعی با شکست مواجه بوده و نباید دیگر مثل گذشته در رأس تدابیر نظام عدالت کیفری قرار داشته باشد. تلاش برای تعدیل و جایگزین‌سازی این کیفر قبل از هر چیز اذعان و اعتراف جهانی به این حقیقت است که مجازات حبس مشکل‌ساز واقع شده و با وجود اجرای برنامه‌های اصلاحی - درمانی مختلف در فضای آن در اقصی نقاط گیتی کماکان شواهد از عدم کارایی و هزینه‌زایی مفرط آن برای جامعه حکایت می‌کنند. بنابراین گریزی از استقبال از دگردیسی‌تطورگرایانه حبس نبوده و به کارگیری تدابیر جایگزین آن هم دیگر یک شعار و تبلیغ عوام‌فریبانه تلقی نمی‌شوند، بلکه حقیقتی و نیازی مبرم و ضروری‌اند که عدم اعتنای مطلوب به آن‌ها به سرگردانی هرچه بیشتر زندان‌ها و اشاعه مضار لاینقطع کیفر حبس امتداد و استمرار خواهد بخشید، لذا منطق غایی سیاست جایگزین‌های حبس بر چنین لولاهایی می‌چرخد و عنصر واقع‌بینی نسبت به مشکلات سامانه عدالت کیفری کلاسیک چاشنی اصلی آن است (۵).

در این افق و به تعبیر برخی از اسناد بین‌المللی جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شوند. با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و

قابل تحلیل در ذیل مفهوم کلان جایگزین‌های حبس به شمار خواهد رفت. این مفروضه و توافقی است که امروزه در حقوق تطبیقی و در سطح جهانی در اغلب نظام‌های حقوقی هم مورد تنفیذ و همراهی قرار گرفته است (۹)، لذا در تعریف این نوع از مجازات‌ها غالباً گفته می‌شود که مجازات‌های جایگزین حبس مجموعه‌ای از راهکارها و ضمانت اجراهای کیفری با ماهیت و ساختار معمولاً اجتماع‌محور هستند که به منظور اجتناب از تعیین و اعمال مجازات حبس برای آن دسته از مجرمان که اعمال مجازات حبس و نگهداری در زندان برای آنان و جامعه خطرناک، نامفید و ناضروری است، به کار گرفته می‌شود.

۱-۲. اقسام و گونه‌ها: مجازات‌های جایگزین حبس تحت تأثیر آموزه‌های عدالت ترمیمی، سیاست جنایی و کیفرشناسی تقلیل‌گرا - تحویلی، نظریه کوچک‌سازی دامنه عدالت کیفری و دیگر رویکردهای نظری - آن‌گونه که در ادامه مطالب بحث خواهد شد - به عنوان سیاستی تساهل‌مدار در پهنای نظام عدالت کیفری معرفی شده‌اند که اهدافی چون عدم ورود محکومان به فضای زندان و شناورسازی مدت کیفر حبس‌های تعیینی در دادنامه محاکم را دنبال کرده و مترصد تحقق آرمان‌هایی چون کاهش جمعیت کیفری و دفع و تقلیل هزینه‌ها، جنبه‌های القایی - تلقینی هم‌نشینی با دیگر زندانیان و به طور کلی کاهش آسیب‌های اغماض‌ناپذیر زندان‌ها در اجتماعات انسانی هستند (۱۰).

اقداماتی از قبیل اعمال دوره مراقبت، اقامت در منزل، نگهداری در روزهای پایان هفته، نظارت الکترونیک، خدمات عمومی رایگان و نهادهای ارفاقی مانند تعویق صدور حکم، ترک تعقیب، تعلیق تعقیب، بایگانی‌کردن پرونده، معافیت از کیفر، میانجی‌گری کیفری، تعلیق مجازات، نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط هر کدام به وجهی گونه‌ای از تدابیر جایگزین به شمار می‌روند که البته پیاده‌سازی آن‌ها در نظام حقوقی جامعه محدود و منحصر به کیفر حبس نیست، یعنی مثلاً به کارگیری نهادهای سنتی مانند آزادی مشروط و تعلیق مجازات اختصاص به محکومان به حبس یا مرتکبان جرائم دارای

مجازات حبس نبوده و به نوعی از عمومیت نسبت به دیگر مجازات‌ها نیز برخوردارند (۱۱).

بی‌شک، توسل به مجازات‌های جایگزین حبس ممکن است موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده زندانی، استفاده از نیروی کار مجرم در جامعه، جبران خسارت بزه‌دیده و رویکرد انسانی و کرامت‌مدار نسبت به بزه‌کار شود. در نتیجه این تغییر راهبردی در حوزه مجازات‌ها، مفهوم جایگزین‌های حبس به ادبیات علمی حقوق کیفری افزوده شده است.

مجموعاً این جایگزین‌ها را می‌توان به دو دسته جایگزین‌های حبس سنتی و جایگزین‌های حبس نوین تقسیم کرد. تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و جزای نقدی شاخص‌ترین مصادیق تدابیر جایگزین سنتی و مرسوم می‌باشند که عموماً در تاریخ حقوق کیفری معاصر ایران هم مورد تقنین و امعان نظر قانونگذاران قرار داشته‌اند (۱۲). در نقطه مقابل، تدابیری مانند دوره مراقبت، کارهای عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، حبس در منزل از جمله مصادیق بارز نسل جدیدتر تدابیر جایگزین حبس به شمار می‌روند.

بعضاً جایگزین‌های حبس در معنی عام و در یک تقسیم‌بندی از لحاظ زمانی به جایگزین‌های مختص به زمان پیش از محاکمه و جایگزین‌های پس از محاکمه قابل تقسیم و رهگیری هستند. اجمالاً به تدابیر یا روش‌هایی که به نحوی موجب اجتناب از صدور بازداشت موقت می‌شوند، جایگزین‌های مربوط به زمان قبل از محاکمه و دادرسی در دادگاه اطلاق می‌شود (۱۳). بی‌شک، نمی‌توان از بازداشت موقت به حبس در معنای متداول در قلمرو سیاست کیفری تعبیر نمود، چراکه صدور قرار بازداشت موقت هرگز مختص جرائمی نیست که قهراً و منحصرأ دارای مجازات حبس باشند، چه بسا مجازات قانونی جرمی که در مورد آن سیاست بازداشت موقت الزامی هم مورد تقنین قرار گرفته است، مطلقاً مجازات حبس نباشد، لذا نمی‌توان لزوماً کلیه موارد اجتناب از صدور قرار بازداشت موقت را عاملی برای اجتناب از کیفر حبس تلقی کرد. از سوی دیگر شکی هم نیست که این بازداشت ماهیتاً قسمی از سلب آزادی است که به سبب محدودسازی دامنه آزادی متهم

جرائم و کیفیت جاری‌سازی تدابیر مذکور در مواجهه با آن‌ها خواهیم پرداخت.

مثلاً طبق ماده ۵۳۹ قانون مجازات بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، هرگاه طبیب تصدیق‌نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته، علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد. مصداق روشن این ماده منحصرأ در جایی است که شخص متهم واقعاً طبیب باشد، یعنی باید صلاحیت عنوان طبیب را داشته باشد و آموزش‌های لازم در رشته پزشکی را به اتمام رسانده باشد و گواهی‌نامه‌ای که او را به عنوان پزشک معرفی می‌نماید را دریافت کرده باشد. بنابراین داروسازان، دام‌پزشکان، قابله، دانشجویان پزشکی و سایر متصدیان علوم وابسته به علم پزشکی از شمول ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی خارج هستند. جرم موضوع این ماده، تصدیق خلاف واقع است، لذا باید متن گواهی‌نامه مبنی بر وجود بیماری یا نقص عضو برخلاف حقیقت باشد، مثلاً متهمی را محکمه احضار کرده و او حاضر نمی‌شود و چون باید عذر موجه داشته باشد، گواهی خلاف واقع دائر بر وجود مرض از طبیب اخذ می‌کند و به محکمه می‌فرستد، اساساً جعل محسوب نمی‌شود. چنین جرمی منطقی در اغلب مواقع می‌تواند به جای مواجهه شدن با کیفر حبس با تدابیر منعطف‌تری مثل جایگزین‌ها مواجه شود که با شخصیت و موقعیت جامعه پزشکان نیز سازگاری دارد.

سقط جنین موضوع ماده ۶۲۴ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ مصداقی دیگر از جرائم نسبتاً شایع پزشکی است که به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مقررات موجود در قانون مجازات اسلامی و خصوصاً با لحاظ میزان مجازات آن عملاً نمی‌تواند موضوع اعمال تدابیر جایگزین قرار گیرد. ماده مذکور مقرر داشته «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش

شباهت‌هایی با حبس دارد. جایگزین‌های نوع دوم که محور مطالعه و رویکرد این مقاله معطوف به آن‌هاست، اصطلاحاً جایگزین‌های کیفر حبس در مرحله دادرسی و پس از آن توصیف و تلقی می‌شوند.

در خصوص جایگزین‌های بازداشت موقت که در مرحله دادرسی اجرا و عملیاتی می‌شوند نقدها و ایرادات مختلفی مطرح است. صدور قرار تأمین مناسب توسط قاضی دادرسی و استفاده معقول و ضروری از بازداشت موقت به عنوان تأمین کیفری و رعایت حقوق قانونی متهم مثل حق اعتراض و...، از جمله مسائلی‌اند که موجب تردید در کارایی قرار بازداشت موقت به طور کلی شده‌اند.

جایگزین‌های پس از محاکمه تدابیری هستند که به منظور اجتناب از توسل به کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند. تعلیق اجرای مجازات، کیفرهای سالب حقوق یا محدودکننده حقوق که اصطلاحاً محرومیت از حقوق اجتماعی توصیف و تفسیر می‌شوند، انجام خدمات عام‌المنفعه و جزای نقدی روزانه، از جمله مصادیق رایج این نسل از جایگزین‌ها در ادبیات حقوقی جهان معاصر قلمداد می‌شوند. محاکم می‌توانند با استفاده از ابزارهای کیفری و غیر کیفری دیگری به جز زندان از سرکوبگری سنتی و سزاده اجتناب نموده و زمینه بازگشت بزه‌کاران را به آغوش جامعه فراهم آورند. چنانچه این اقدامات تابع یک هدف‌گذاری دقیق و مدبرانه باشند، قطعاً خواهند توانست سهم عظیمی در جلوگیری از تکرار جرم و بازسازی و اصلاح مجرمان در جامعه ایفا نمایند (۱۴).

۲. نگاهی اجمالی به برخی از شایع‌ترین جرائم پزشکی:

تعداد و قلمروی کمی جرائم پزشکی، درمانی و دارویی در قوانین جزایی ایران بسیار انبوه و متنوع است، لیکن نظر به موقعیت خاص قشر پزشکی جامعه و با لحاظ موازینی نظیر بخشنامه رییس قوه قضاییه مبنی بر لزوم بهره‌گیری از تدابیر جایگزین حبس در واکنش‌دهی به جرائم و تخلفات ارتكابی پزشکان در این قسمت گریزی اجمالی بر برخی از اهم مصادیق آن‌ها زده و سپس در بطن مباحث آتی مجدد به این

حبس خانگی، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، مجازات‌های مالی، خدمات عام‌المنفعه، محرومیت از حقوق اجتماعی و اجبار به اقامت یا منع اقامت در محلی خاص وارد نظام حقوقی ایران شده‌اند. این شیوه‌های تربیتی اگر به نحوی منسجمی تعیین و اجرایی شوند، قطعاً به بازپروری سریع‌تر مجرمین موجب و کاهش نرخ تکرار جرم در نزد آن‌ها مدد خواهد رساند (۱۵).

با وجود همه نارسایی‌ها در رویکرد قانونگذار، اما نهاد مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کنونی ایران و در دکتترین حقوقی موجود غالباً اصولاً این‌گونه تحلیل و تبیین می‌شوند که در صورتی که جرمی در زمره جرائم غیر قابل گذشت بوده و شاکی خصوصی از جنبه خصوصی جرم گذشت نماید. همچنین برای مجرم جهات تخفیف مجازات‌ها نظیر سن مرتکب، مهارت، وضعیت، شخصیت و جایگاه اجتماعی وی، سابقه کیفری اعم از مؤثر و یا غیر مؤثر وجود داشته باشد و یا وضعیت بزه‌دیده و یا نوع و کیفیت جرم به گونه‌ای باشد که قابلیت تخفیف‌دادن باشد، به جای مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم حکم به مجازات‌های جایگزین حبس نظیر دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و یا محرومیت از حقوق اجتماعی داده می‌شود تا مجرم به زندان ورود پیدا نکند.

طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه باید ضمن صدور حکم نوع و مدت مجازات جایگزین حبس را تعیین کند و نمی‌تواند به بیش از دو نوع مجازات جایگزین حبس، حکم بدهد. در برخی موارد در صورت وجود شرایط مذکور دادگاه و قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده اختیاری در اجرا یا عدم اجرای نهاد جایگزین حبس ندارد و باید حکم به مجازات‌های جایگزین حبس بدهد. جایگزین حبس اجباری این‌گونه تعیین می‌شود که اگر مرتکب، جرمی عمدی را انجام داده باشد که مجازات قانونی مقرر در قانون برای آن جرم تا سه ماه حبس، یعنی درجه هشت از جرائم هشت‌گانه تعزیری بوده باشد، قاضی موظف است حکم به مجازات جایگزین حبس بدهد. همچنین متهمی که مرتکب جرم تعزیری درجه هفت با مجازات قانونی نود و یک روز تا شش ماه حبس شده است نیز

و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به اسقاط جنین کنند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.»

افشای اسرار بیمار، از جمله دیگر جرائم پزشکی موضوع بحث است که می‌تواند استحقاق رو به روشن شدن با تدابیر جایگزین را داشته باشد. مطابق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم)، اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. طبق ماده فوق افشای اسرار بیماران جرم است، مگر در مواردی که قانون مجاز دانسته باشد، لذا افراد مشمول ماده باید به مناسبت شغل یا حرفه خود، محرم اسرار شده باشند، مانند پزشک، وکیل که در موارد غیر مجاز اسرار را افشا نمایند.

حسب مورد، از جمله دیگر مصادیق جرائم پزشکی می‌توان به مواردی چون تبلیغات پزشکی غیر مجاز، تأسیس و توسعه غیر قانونی قلمرو محیطی محل طبابت و انجام وظایف پزشکی و جرائم غیر عمدی قشر پزشکان اشاره نمود که مثلاً از میان آن‌ها در خصوص گروه اخیر (جرائم غیر عمد) طبق عموماًت قانون مجازات اسلامی محاکم اساساً تکلیف بر جایگزین‌سازی آن‌ها با تدابیر جایگزین پیدا نموده‌اند. این بدان معناست که زیرساخت قانونی لازم برای توسعه فرایند به کارگیری این تدابیر در قبال طیف وسیعی از جرائم و تخلفات پزشکی در حقوق کنونی ایران وجود دارد.

۳. تبیینی اجمالی از تلقی و نگرش قانونگذار به محتوا و

شرایط جایگزین‌ها: تورق در اسناد و شور مذاکرات ناظر به تقنین مواد فصل نهم قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که به طور کلی مجازات‌های جایگزین حبس در ایران ظاهراً با هدف رفع مشکلات عدیده زندان‌ها، کمک به اصلاح بهتر مجرمین و کاهش جمعیت زندان‌ها به اشکال مختلفی همچون

مشمول این مقرره شده و قاضی ملزم به صدور حکم جایگزین حبس به جای حکم به حبس از نود و یک روز تا شش ماه حبس می‌باشد.

در خصوص جرائم تعزیری درجه هشت، یعنی جرائم با مجازات تا سه ماه حبس هیچ‌گونه استثنائی وجود ندارد و الزاماً باید حکم به مجازات‌های جایگزین حبس داده شود، اما در خصوص مجازات‌های تعزیری درجه هفت، یعنی جرائم با مجازات‌های حبس از نود و یک روز تا شش ماه اگر محکوم دارای بیش از یک فقره محکومیت قطعی به جرائم با مجازات‌های حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری بوده باشد و از اجرای آن پنج سال نیز نگذشته باشد، مانع از صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد. همچنین اگر محکوم دارای یک فقره محکومیت قطعی به جرائم با مجازات‌های حبس بیش از شش ماه یا حدود یا قصاص بوده باشد و یا مرتکب جرمی شده باشد که مستلزم پرداخت بیش از یک‌پنجم دیه باشد.

در برخی موارد دادگاه و قاضی رسیدگی‌کننده با توجه به اوضاع و احوال متهم و نحوه ارتکاب جرم و اوضاع و احوال بزه‌دیده مختار است که آیا حکم به مجازات‌های جایگزین حبس صادر کند و یا خیر. دادگاه در مواردی اختیار در تعیین مجازات جایگزین حبس دارد که متهم، محکوم به ارتکاب جرمی عمدی شده باشد که مجازات مقرر در قانون برای آن جرم شش ماه تا یک سال حبس تعزیری بوده است. در این صورت دادگاه اختیار دارد که حکم به مجازات‌های جایگزین حبس صادر کند یا خیر. بایستی توجه داشت که استثنائاتی که برای جایگزین حبس اجباری مطرح است، در خصوص جایگزین حبس اختیاری نیز وجود دارد و چنانچه محکوم دارای سابقه کیفری بوده باشد که پنج سال از اجرای آن نگذشته باشد و همچنین جرمی عمدی بوده باشد که یا بیش از یک فقره بوده و مجازات آن تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی یا شلاق تعزیری بوده و یا یک فقره بوده و مجازات آن بیش از شش ماه حبس یا حدود یا قصاص یا پرداخت به بیش از یک‌پنجم دیه بوده باشد، وضعیت وی به

طور کلی مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس خواهد بود (۱۶). در خصوص جرائم غیر عمدی نیز اگر مجازات قانونی جرم تا دو سال حبس باشد، صدور حکم به مجازات جایگزین حبس الزامی بوده و چنانچه مجازات جرم بیش از دو سال حبس بوده باشد، دادگاه در صدور یا عدم صدور مجازات جایگزین حبس اختیار دارد.

۴. نگاهی به اهداف و کارکردکاو سیاست جایگزین‌ها در افق اهداف کلان نظام مجازات‌ها

۴-۱. هدف‌های سزاگرایانه و بازنگری در فهم از آن: در حقوق جزای کلاسیک، سزاگرایی هدف و غرض مسلطی برای مجازات‌ها تلقی شده که می‌تواند به کاهش جرم منجر شود (۱۷)، اجرای کیفرهای رسمی و سرکوبگر همانند مجازات حبس‌های میان مدت، بلندمدت و حتی حبس ابد نماد بهره‌گیری نظام حقوق کیفری جامعه از اندیشه و هدف سزاگرایی به طور کلی محسوب می‌شود. امروزه ادعا می‌شود که سیاست جایگزین‌ها به دنبال این نیست که کلاً مؤاخذ مجرمین را به فراموشی سپرده و به طرز لجام‌گسیخته‌ای بر بی‌مجازات ماندن آن‌ها اصرار بورزد. همین‌طور این تدبیر معارض با همه معانی و مصادیق سرکوبگری تلقی نمی‌شود، چراکه گفته می‌شود به هر حال تدابیر جایگزین هم از نسلی از تنبیهات بوده که تن‌دادن به آن‌ها برای مجرمین الزامی است، اما فقط جنبه تخفیفی و سزادهی نسبتاً محدودتر و کمتری دارند، لذا اساساً نمی‌توان گفت که تدابیر جایگزین مطلقاً جنبه سزاگرایانه نداشته و یا آن را به کل به فراموشی سپرده‌اند (۱۸).

با اینکه در وضع کنونی سیاست جنایی ایران برای اغلب مصادیق جرائم پزشکی مثل صدور گواهی خلاف واقع، افشای اسرار حرفه‌ای، تبلیغات پزشکی متقلبانه (موضوع قانون مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد آشامیدنی و خوردنی مصوب ۱۳۳۴ ش.) و یا سقط جنین عملاً گرایشی سنتی به سیاست کیفری سرکوبگر وجود دارد، اما اصولی چون فردی‌سازی کیفر مقتضی آن است که به عنصر شخصیت مرتکب بیشتر توجه شده و در چهارچوب آموزه‌های

اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از مجرم - آنچنانکه در رویکرد سزادهی مطرح است - بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن لازم می‌انگارد، بدین‌سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است، یعنی استفاده از مجازات به عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد (۲۲).

در این دیدگاه هدف آن است که با ایجاد نظام کیفری عادلانه و با پیش‌بینی کیفرها و نیز استفاده از ارباب از وقوع جرم جلوگیری شود و این همان رویکرد آینده‌نگر است. رویکردی که در طول سالیان دراز نه‌تنها در عرصه کیفری از حقوق داخلی، بلکه حتی در حوزه حقوق بین‌الملل و سیاست نیز کاربردی بسیار داشته است، پس نتیجه آن خواهد بود که مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته، دیگر بار چه توسط خود مجرم و چه توسط سایر شهروندان، تکرار نشود. به زعم برخی از متفکران هدف بازدارندگی مهم‌ترین هدفی است که هم در متن مجازاتی چون حبس و هم در وجود سیاست‌های جایگزین به وضوح مورد نظر مسئولین نظام اجتماعی و قانونی قرار دارد. در واقع یک اجماع جهانی است که نظام واکنش در قبال جرم صرف نظر از ماهیت و محتوای آن‌ها باید مانع از ارتکاب مجدد جرم گردد و جنبه بازدارندگی داشته باشد. از این رو گفته می‌شود که بازدارندگی تاریخی‌ترین وجه و وصف اجماعی - توافقی در سراسر اقلیم جنایی در طول تاریخ بوده که تصور کیفر بدون آن سالبه به انتفاء موضوع جلوه می‌کند. اگر تدبیری بازدارنده نباشد، نمی‌تواند با هیچ تعریفی از مجازات سازگار باشد (۲۳).

در حقوق ایران در این مورد هم نوعی بدفهمی وجود دارد، تا جایی که در اغلب آثار تحقیقاتی انجام‌شده تحلیلگران از جنبه بازدارندگی کیفرهای جایگزین حبس غفلت نموده و حتی هیچ نظری در اینکه چگونه می‌توان سبک خاص بازدارندگی را در وجود این کیفرها افزایش داد، مطرح نساخته‌اند. با این حال، در مجموعه قوانین ناظر به سیاست جایگزین‌ها در ایران هیچ‌گونه صراحت قانونی که حکایت از گرایش مقنن به تأمین

کیفرشناسی تخصصی بتوان از امکان تطبیق سیاست‌های سزاگرایانه در این حوزه با رهیافت‌هایی مثل جایگزین حبس دفاع نمود. در واقع تنبیه و سزاگرایی هرگز مقید به نفس محبوس‌سازی یک پزشک مجرم نیست، در اغلب مواقع تعدیل فرایند کیفرها از هر نظر نتایج بهتری رقم می‌زند (۱۹).

۲-۴. هدف‌های فایده‌گرایانه؛ به عنوان متغیری زمینه‌ساز:
رویکرد دیگر در تبیین کیفر حبس موسوم به اندیشه فایده‌گرایی است. جرمی بنتام در رابطه با اجرای مجازات‌ها بر این عقیده بود که اگر مجازات نفع اجتماعی را در پی نداشته باشد، پس باید انجام نشود (۲۰)، چون دولت متقبل هزینه ساختمان و نگهداری مجرمین می‌شود، پس اجتماع باید در مقابل این هزینه‌ها نفعی عایدش شود. او همچنان مخالف مجازات‌های شدید جسمی بود. او معتقد بود که بزه‌کار به این سبب دست به ارتکاب عمل جرمی می‌زند که در آن منفعت او باشد، چون انسان ذاتاً سود جود و منفعت‌طلب است، اما اگر نتایج ناگوار از مجازات بیشتر از سود بزه‌کاری باشد، پس مجرم دیگر دست به ارتکاب جرم نخواهد زد. در این گفتار به بررسی این موضوع در ارتباط با رویکرد کیفرشناسانه کیفر حبس آن هم در رویاروی با نهاد جایگزین‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۴-۱. بازدارندگی؛ بارزترین هدف مشترک میان حبس و نظام جایگزین‌ها: نوع نگاه به مجرم و به خصوص افشاری همانند پزشکان که چه‌بسا اغلب ناخواسته و بدون اغراض انتفاعی و تخریبی علیه غیر دست به ارتکاب جرم زده‌اند و به تبع آن اهداف مجازات حبس، در طول تاریخ دستخوش تحولاتی چند بوده است، به نحوی که به تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم شاهد رقم‌خوردن غایاتی چند برای این مجازات بوده و هستیم؛ اهدافی که در طیف گسترده سزادهی و انتقام‌جویی، ارباب و بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی و حذف مجرم قرار دارند (۲۱)، لذا بازدارندگی یکی از اهداف مجازات حبس است؛ هدف تقلیل‌گرایانه‌ای که از دیرباز و در قالب یک نظریه توانمند و در بطن مدل تنبیهی و در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر تکوین یافته و با نگرستن به افق‌های پیش رو،

هدف بازدارندگی در اجرای مجازات علیه مرتکبان جرائم باشد، وجود ندارد. با این وجود نمی‌توان مطلقاً مدعی شد که این هدف در حقوق ایران بی‌اعتبار است. وجود مقرراتی نظیر مشروط‌شدن تعیین کیفر جایگزین برای محکومان و به طور مثال عدم احراز وجود سابقه محکومیت در میان آن‌ها نشان می‌دهد که مقنن ایرانی لاقلاً در قلمرو برخی از عناوین مجرمانه خاص در این حوزه به عدم سرکوبگری محض گرایش داشته و با تأکید نمودن بر لزوم احراز یک سری شروط برای تعیین چنین تدابیری سعی دارد به مسیری حرکت نماید که جنبه سودهی و بازدارندگی کیفرهای جایگزین حفظ شده و آن‌ها جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی به خود نگیرند.

تردیدی نیست که مثلاً در برخورد با پزشک متخلفی که به هر دلیل مبادرت به ارتکاب جرائمی چون صدور گواهی خلاف واقع و یا افشای اسرار بیماران نموده است، توسل به تدابیر جایگزین حبس بهتر از روحیه و سیاست سرکوبگری کیفری جوابگوست. بنابراین اگر هدف بازدارندگی مد نظر باشد، دلیلی برای غیر بازدارنده محسوب شدن تدابیر جایگزین در قبال مرتکبان جرائم فوق به لحاظ حقوقی و کیفرشناختی چندان قابل دفاع جلوه نمی‌کند.

۲-۲-۴. بازپروری بزه‌کاران؛ برتری هدفمندانه جایگزین‌ها بر مجازات حبس: یکی دیگر از اهداف کیفر حبس که به نظر می‌رسد در حقوق کیفری کنونی ایران هم نفوذ نسبتاً قابل تأملی دارد، هدف بازپرورانه است. در حقوق کشورهایی مانند انگلستان آنطور که مواد مختلف قانون مجازات‌های اجتماعی اصلاحی ۲۰۰۵ که صراحتاً برای قابلیت بازپرورانه واکنش‌های اجتماعی - مدنی در قبال مجرمان خرده‌پا تصریح نموده، نشان می‌دهد این هدف یکی از مبانی مسلم کیفرشناسی در هر دو شاخه حبس‌گرایانه اعم از اصلاحی یا سزاده و غیر حبس‌مدارانه در این کشورهاست (۲۴).

از منظر تاریخ‌کاوی، جز سال‌های آغازین قاعده‌مندکردن مجازات، یعنی پس از دوران انتقام خصوصی که بیشترین هدف کیفر را فراهم‌سازی عدالت مطلق و سزادهی به مجرم تشکیل می‌داد، از آن پس این هدف جای خود را به هدف پیشگیری از

جرم و بازپروری مجرم از مجازات سپرد. یکی از واکنش‌های شایع که در اعصار مختلف همواره برای مقابله با پدیده جرم و بزه‌کاری مورد استفاده بشر قرار گرفته است، مجازات حبس می‌باشد که امروزه ادعا می‌شود جنبه اصلاحی واقع‌بینانه‌ای نداشته و حتی خود به آموزشگاهی برای آشنایی با دانش جنایی بیشتر در میان اغلب جمعیت کیفری بدل شده است.

یکی از اهدافی که از دیرباز برای مجازات زندان در نظر گرفته شده است، هدف اصلاحی و تربیتی زندان برای فرد زندانی است، اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود این است که با توجه به محیط‌های غیر استاندارد و غیر فنی و غیر کارشناسی زندان نه تنها این هدف تأمین نمی‌شود، بلکه زندان محیط تعلیمی ناخودآگاهی است که محکومات به حبس‌های غیر ضروری در آنجا به صورت غیر ارادی و کاملاً تخصصی در ارتباط با مجرمین خطرناک متجری‌تر می‌شوند (۲۵). با توجه به عدم موفقیت مجازات زندان در رسیدن به اهداف مقرر تدابیر گوناگونی مورد توجه کیفرشناسان قرار گرفت که یکی از آن‌ها جایگزین‌های مجازات زندان است (۲۶). به همین خاطر است که هدف بازدارندگی در زمره اهداف و کارکردهایی قرار گرفته است که بیشتر تحلیلگران موافق با سیاست جایگزین‌ها مدعی‌اند بیش از حبس در وجود نظام جایگزین‌های آن قابل ردیابی و تحقق است (۲۷). اگر بسترها و مقدمات اجرای مطلوب تدابیر جایگزینی مانند انجام خدمات اجتماعی یا مثلاً الزام به نگارش آثار پژوهشی برای برخی از پزشکان متخلف در جامعه مهیا گردد یا برای الزام آن‌ها به درمان فنی‌تر و رایگان طیفی از بیماران در بازه زمانی مشخص برنامه‌ریزی شود، به راحتی می‌توان جرعه‌هایی از تضمین منطق بازپرورانه را در ساختار تدابیر جایگزین در مواجهه با جرائم پزشکی مشاهده نمود. این حقیقت نمایانگر امکان نفوذ اهداف بازپرورانه به سیاست جنایی موافق با کیفرهای جایگزین حبس در راستای واکنش‌دهی به طیف گسترده‌ای از جرائم و به خصوص جرائم پزشکی در جامعه معاصر ایران است که امروزه به جدیت وسیع‌تری مورد امعان نظر متفکرین و برخی از تصمیم‌گیرندگان جنایی در اغلب جوامع است.

نتیجه‌گیری

در وضع کنونی نظام حقوقی - قضایی جمهوری اسلامی ایران برداشت از تدابیر جایگزین عموماً فهمی حداقلی و ظاهری است و قانونگذار در متن مقررات تنصیبی به اغلب ملزومات و بسترهای حقوقی و اجتماعی اجرای هدفمند این تدابیر توجه چندانی نداشته است. این موضوع موجب مواجهه‌شدن این تدابیر با چالش‌های نظری و عملی عدیده‌ای شده که هر کدام به نحوی معارض با تحکیم موقعیت آن‌ها و بسط شرایط لازم برای توسعه حداکثری این تدابیر در وضع کنونی جامعه و نظام حقوقی ایران می‌باشند. با این حال شواهد قضایی و قانونی موجود نشان می‌دهد که حقوق ایران برای استفاده مطلوب‌تر از تدابیر جایگزین حبس به لحاظ قانونی با نارسایی متعددی مواجه است که عمده‌ترین آن‌ها محدودسازی دامنه توسل به این تدابیر در قلمرو طیف محدودی از جرائم و تخلفات است. در میان جرائم مختلف تأکید خاصی در حوزه بهره‌وری از تدابیر جایگزین در قلمرو جرائم و تخلفات پزشکی وجود دارد که عموماً در راستای مبانی و ملزومات اصل فردی‌سازی کیفرها تبلور می‌یابد. شاید در قلمرو جرائمی چون سقط عمدی جنین نتوان به راحتی از چنین تدابیری دفاع نمود، اما در قبال طیف وسیع‌تری از جرائم مانند گزارش خلاف واقع، جرائم پزشکی غیر عمدی، تبلیغات پزشکی متقلبانه، افشای اسرار بیماران و یا عدم رعایت نرخ‌های بیمه‌ای و دولتی در پذیرش و مواجهه با بیماران مختلف به سهولت و متکی بر مبانی کیفرنگاری افتراقی می‌توان از اجرایی‌سازی تدابیر جایگزین حبس در قبال پزشکان متخلف بهره گرفت؛ سیاستی که می‌تواند ضمن پاسخ مناسب به چنین جرائمی از مواجهه‌شدن قشر نخبگانی جامعه با محیط نامناسب زندان‌ها جلوگیری نماید.

مشارکت نویسندگان

احمد مظفری: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش متن.

محمدحسن حسینی: تجزیه و تحلیل داده‌ها و نگارش متن.

مهدی ذوالفقاری: نگارش متن.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر سلمان کونانی متخصص جرم‌شناسی به واسطه اظهار نظر در خصوص سؤالات نویسنده مسئول و همینطور دکتر محمود عباسی متخصص در حقوق پزشکی به واسطه ارشاد نویسندگان در ابعاد میان‌رشته‌ای تحقیق اعلام می‌دارند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Shery B. Crime and Punishment: An Introduction. 7th ed. Toronto: RC-Inc Press; 2019. p.12.
2. Karimi MA. Alternatives of Incarceration. Legal Research Review. 2019; 1(21): 6-28. [Persian]
3. Topin DQ. Crime and Punishment: An Introduction. London: London University Press; 2019. p.8.
4. Ashori M. Social Punishments. 1st ed. Tehran: Forouzesh Publications; 2005. p.18. [Persian]
5. Darlock K. Crime and Punishment. 2nd ed. London: Sage Publication; 2013. p.19.
6. Martins E. New penal in New Criminal policy. 3rd ed. London: Mcmillan Press; 2018. p.227.
7. Hary F. Justice without Courts in 21 Century. 3rd ed. Oxford: H.K Publication; 2021. p.4.
8. Konani S, Mahdavi Sabet MA. Rehabilitative Criminology. 2nd ed. Tehran: Sociologist Publisher; 2019. p.36. [Persian]
9. Waldon SG. Rehabilitation Policy and Clinical Criminology. New York: Har Moore Publication; 2015. p.193.
10. Andrew A. Sentencing and Criminal Justice. 4th ed. Cambridge: Cambridge University Press; 2005. p.27.
11. Barry NP. An Introduction to Modern Criminological Theory. London: Macmillan; 2017. p.77.
12. Allame G. Alternatives of prison in Iran and Afghanistan. 1st ed. Tehran: Forozesh Publisher; 2014. p.33. [Persian]
13. Razaviyan P. Alternatives of prison in Iran and England. Law and Politic Review. 2020; 1(2): 23-44. [Persian]
14. Salahi J. Responsology. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2013. p.15. [Persian]
15. Abbaszadeh MA. Methods of the Decriminalization. Law Review. 2010; 2(9): 20-47. [Persian]
16. Elahimanesh M. Alternatives of Prison in Iranian legal System. Criminal Law Review. 2017; 1(16): 3-12. [Persian]
17. Mckenzi S. Crime and Punishment in New Criminal Law. 3rd ed. London: Mcmillan Press; 2010. p.8.
18. Erik JD. Criminal Law and Social Punishment. 1st ed. London: Sage Publication; 2013. p.219.
19. Mosavi Z. Responsology in Scope of Medicine Crimes. Law Review. 2016; 2(33): 21-43. [Persian]
20. Karimiayan M. Contemporary Criminological Theory. Legal Review. 2017; 1(17): 2-27. [Persian]
21. Helber GN. Cllasical Criminal Law and Punishment. 1st ed. New York: Sage Publication; 2021. p.130.
22. Martin D. Criminal Law and Positive Opinion. 1st ed. London: Sage Publication; 2016. p.80.
23. Zagrock DA. Punishment and New Zones. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press; 2020. p.39.
24. Frank JG. Comparative Criminal Law. 1st ed. Washington DC: Beard Book; 2019. p.44.
25. Ahmadzadeh L. Alternatives of prison in Iranian legal system. Law Study Review. 2018; 1(18): 70-81. [Persian]
26. Defry G. Crime and Punishment in 21 Ceitury. 1st ed. London: McMlillan Press; 2009. p.18.